

## بهترین قاضی تبریز



بازوی راست امام(ره) در خطه آذربایجان بود به حدی که هرگاه به دیدار امام(ره) می‌رفت، از مصاحبت با او دل نمی‌کند، اما به او توصیه بازگشت و حضور در آذربایجان را می‌کردند...

بازوی راست امام(ره) در خطه آذربایجان بود به حدی که هرگاه به دیدار امام(ره) می‌رفت، از مصاحبت با او دل نمی‌کند، اما به او توصیه بازگشت و حضور در آذربایجان را می‌کردند. گوئی همین يك نفر برای دل‌گرمی و استقامت و راهنمایی و اتحاد مردم غیور آذربایجان کفایت می‌کرد. با شروع نهضت امام خمینی(ره) به یاری و همگامی با او شناخت و به قدری با آن حضرت همگام و هماهنگ بود که یکی از بدخواهان او، وی را خمینی دوم لقب داده بود. باری از تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی و شروع نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلام در ایران لحظه‌ای از پای ننشست. برای آشنائی اجمالی با شخصیت آن مجاهد شهید و روحانی مبارز مقاله ذیل را مورد مطالعه قرار دهید.

بازوی راست امام(ره) در خطه آذربایجان بود به حدی که هرگاه به دیدار امام(ره) می‌رفت، از مصاحبت با او دل نمی‌کند، اما به او توصیه بازگشت و حضور در آذربایجان را می‌کردند. گوئی همین يك نفر برای دل‌گرمی و استقامت و راهنمایی و اتحاد مردم غیور آذربایجان کفایت می‌کرد. با شروع نهضت امام خمینی(ره) به یاری و همگامی با او شناخت و به قدری با آن حضرت همگام و هماهنگ بود که یکی از بدخواهان او، وی را خمینی دوم لقب داده بود. باری از تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی و شروع نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلام در ایران لحظه‌ای از پای ننشست و با اینکه یکی از برجسته‌ترین مجتهدان نجف رفته ایران محسوب می‌شد و از بهترین و اعظم شاگردان اشخاصی چون مرحوم کوه‌کمره‌ای، مرحوم کاشف‌الغطاء و شیخ عبدالنبی نوری محسوب می‌شود و پس از نائل‌شدن به درجه اجتهاد آثار علمی فراوانی را تحقیق و تالیف نموده بود، در مبارزه عملی و جهاد فی‌سبیل‌الله نیز نستوه و پربار و پرقدرد بود. باری برای آشنائی اجمالی با شخصیت آن مجاهد شهید و روحانی مبارز مقاله ذیل را مورد مطالعه قرار دهید.

سید محمدعلی قاضی طباطبایی از جمله علما، نویسندگان و ائمه جمعه و جماعات مبارز ایران در قرن چهاردهم هجری می‌باشد. وی در سال 1293. ش در شهر تبریز به دنیا آمد. خاندان او از سادات طباطبایی بودند که به مدت پنج قرن در آذربایجان حضور داشته و سمت «شیخ الاسلام» ای و قضاوت را دارا بودند. پدر او حاج میرزا باقر قاضی طباطبایی نیز از علما مشروعه‌خواه تبریز بود.

سید محمدعلی تحصیلات اولیه خود را از هفت سالگی نزد معلم سرخانه آغاز کرد. پس از مدتی، در محضر پدر و عموی خود به کسب علم پرداخت. وی در 1307. ش، به دنبال قیام علما آذربایجان بر ضد حکومت پهلوی، به همراه پدرش از تبریز به تهران و سپس به مشهد تبعید شد.

سید محمدعلی تحصیلات علوم دینی را نخست در مدرسه طالبیه تبریز آغاز نمود و پس از تکمیل و اتمام قوانین، رسائل و مکاسب، فراگیری مقداری از کتاب کفایه آخوند خراسانی را در همین مدرسه گذراند. از جمله استادان وی، می‌توان به حاج علی واعظ خیابانی، مولف کتاب علمای معاصرین اشاره کرد. در سال 1318 شمسی، برای تکمیل تحصیلات خود، راهی حوزه علمیه قم شد. پس از ورود به قم، در درس کفایه حضرات مرعشی نجفی و گلپایگانی حاضر گردید. وی شرح منظومه و اسفار و برخی کتب معقول دیگر را نزد امام خمینی (ره) آموخت و در طول دوره ده ساله تحصیل جزء شاگردان ممتاز وی درآمد و علاوه بر رابطه شاگرد - استادی، رابطه مرید و مرادی نیز میان آن دو وجود داشت.

مرحوم قاضی طباطبایی همچنین در درس خارج آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای نیز حاضر شد و به تقریر درس اصول وی همت گماشت. مدتی هم در درس حضرات آیات سید صدرالدین صدر، شیخ عبدالنبی عراقی و حاج آقا حسین بروجرودی حاضر گردید. در ایام تحصیل در قم، به همراه پدر سفری به مشهد مقدس کرد و برای دومین بار موفق به ملاقات با شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی - عارف مشهور- شد. پس از ده سال، به اصرار استادش آیت‌الله حجت برای ادامه تحصیل راهی نجف گردید. وی پس از استقرار در آن شهر، در درس آیت‌الله شیخ محمد کاشف‌الغطاء حاضر شد و در شمار نزدیکان او قرار گرفت. استادان دیگری که شهید قاضی طباطبایی از درشنان بهره گرفت، عبارتند از حضرات؛ محسن حکیم، سید حسین بجنوردی و حاج میرزا باقر زنجانی و شیخ عبدالحسین رشتی.

هنوز سه‌سال از اقامت سید محمدعلی در نجف اشرف نگذشته بود که ناگزیر به تبریز بازگشت. ره‌آورد تحصیل او در حوزه‌های علمیه قم و نجف، اجازات متعددی بود که فقها و مراجع شیعه به وی دادند. پس از بازگشت به تبریز، در مسجد مقبره (مسجد اجدادی خود) و مسجد شعبان به امامت جماعت پرداخت و فعالیت‌های عمرانی و اجتماعی قابل توجهی انجام داد.

### آغاز نهضت اسلامی

با آغاز نهضت علما و مراجع به رهبری امام خمینی(ره) در مخالفت با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی قاضی طباطبایی نیز در سال 1341، به صف مبارزان پیوست. با تحریم عید نوروز 1342 توسط امام خمینی، وی نیز در تبریز، در روز دوم فروردین، مجلس سوگواری به مناسبت شهادت امام صادق(ع) برگزار کرد. یکی از این مجالس که در مدرسه طالبیه برگزار شد، مورد هجوم نیروهای انتظامی حکومت پهلوی قرار گرفت و طلاب حاضر در آن به محاصره درآمدند، اما به رهبری او مردم عزادار در مسجد مقبره، محاصره مدرسه طالبیه را درهم شکستند.

پس از واقعه مدرسه فیضیه و طالبیه، وی سخنرانیهای سیاسی خود را علیه حکومت در مسجد شعبان آغاز کرد. در آستانه محرم 1342، شهید قاضی طباطبایی با سازماندهی شبکه مخفی مبارزان مسلمان، به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های انقلابی پرداخت. در ایام عزاداری، با اقدامی حساب شده، دسته‌های عزادار را از رفتن به باشگاه افسران و دعا کردن برای شاه منع کرد و تظاهرات عظیم روز عاشورا 1342 در تبریز با سازماندهی او برگزار شد.

در پی دستگیری امام خمینی(ره) در 15 خرداد 1342، مردم تبریز گرد منزل او تجمع کردند تا در این مورد کسب تکلیف کنند. در ادامه بازار تبریز در اعتراض به دستگیری

امام(ره) يك هفته تعطيل شد. وی برای هماهنگی بیشتر، تعدادی از وعظ تبریز را در منزل خود گردآورد و آنان را واداشت که در منابر بر ضد رژیم پهلوی به سخنرانی بپردازند که متعاقب آن، مشاجرة سختی میان وی و رئیس ساواک تبریز در اتاق بازرگانی در گرفت.

در اواخر خرداد 1342، ساواک تبریز و تهران، کنترل و مراقبت شدیدی از فعالیت‌های او به عمل آوردند و مأموران ساواک و شهرنایب گزارش منظمی از سخنرانیهای انتقادی وی، به مقامات بالاتر ارسال می‌کردند. وی در این سخنرانیها ضمن حمله به حکومت، خواستار آزادی امام خمینی از زندان بود.

علی‌رغم مخالفت علما و مراجع، حکومت درصد انجام انتخابات دوره بیست‌ویکم مجلس شورا و دوره چهارم مجلس سنا برآمد که به نوبه خود آیت‌الله قاضی نیز سخنرانی‌های شدیدالحنی در مخالفت با آن ایراد کرد. در ادامه، علما و مردم آذربایجان به مدت سه‌روز، در مخالفت با انتخابات و برای آزادی امام(ره)، دست به اعتصاب زدند.

### دستگیری

در 13 آذر 1342، وی به همراه چند تن دیگر دستگیر و به زندان قزل‌قلعه تهران منتقل شد. دستگیری علمای آذربایجان انعکاس گسترده‌ای داشت و تمام مراجع تقلید این اقدام رژیم را محکوم کردند. پس از بازجویی از وی، به دلیل فقدان دلایل کافی برای محکومیت و به درخواست آیت‌الله حکیم، او و سایر زندانیان آذربایجانی، با التزام به عدم خروج از حوزه استحفاظی تهران، در 14 بهمن 1342 آزاد شدند.

با آزادی امام خمینی(ره) در شامگاه 18 فروردین 1343، قاضی طباطبایی به دیدار امام شتافت و با دستور ایشان و بدون اجازه مقامات ساواک، در 4 اردیبهشت 1343 راهی تبریز شد. مردم تبریز در يك اقدام بی‌سابقه تاریخی از وی استقبال کردند، اما حکومت همان شب دوباره او را دستگیر و به تهران منتقل کرد. وی پس از چهل‌روز زندانی‌شدن در سلطنت‌آباد تهران، دچار حمله قلبی گردید و رژیم از بیم مرگ قاضی طباطبایی در زندان، وی را با قرار عدم خروج از حوزه استحفاظی تهران آزاد کرد. این در حالی بود که آیت‌الله قاضی در مدتی که در تهران بود، مخفیانه با امام مکاتبه داشت.

سرانجام وی در 9 مرداد 1343، شب هنگام، راهی تبریز گردید. در پی بازگشت او به تبریز، امام خمینی، آیت‌الله مرعشی‌نجفی و آیت‌الله میلانی تلگرافهای تبریکی خطاب به وی و مردم تبریز ارسال کردند. او پس از بازگشت، علی‌رغم بیماری، سکوت را جایز ندانست و فعالیت‌های سابق خود را پی گرفت؛ لذا برای سومین بار در 29 مرداد 1343 دستگیر و به تهران اعزام شد اما به دلیل بیماری، در بیمارستان مهر تهران بستری گردید.

امام خمینی با اطلاع از دستگیری مجدد او، تلگرافی به بیمارستان مهر تهران ارسال کرد. قاضی طباطبایی حدود چهارماه در بیمارستان مهر تحت نظر بود و سرانجام در 11 آذر 1343، حدود يك‌ماه پس از تبعید امام خمینی، او نیز از ایران به عراق تبعید شد. مدت تبعید وی حدود هشت‌ماه به طول انجامید و در 19 تیر 1344 به تهران بازگشت اما ساواک تا 24 شهریور 1344 به وی اجازه خروج از تهران را نداد.

در 13 مهر 1344، امام خمینی از ترکیه به عراق تبعید شد. انتشار این خبر موجی از شادی بین مریدان وی برانگیخت. آیت‌الله قاضی طی تلگرافی ورود امام را به نجف تبریک گفت و امام نیز در 13 آبان 1344 در نامه‌ای بدان پاسخ داد.

### قرآن پهلوی

در 1345، شاه، جهت اعاده حیثیت خود قرآن پهلوی را چاپ و آن را برای برخی از علما و روحانیون شهرستانها ارسال کرد، اما آیت‌الله قاضی در تبریز از پذیرفتن آن سرباز زد. در آن سال، یکی از عوامل وابسته به ساواک دو نامه جعلی به خط او برای بدنام کردن وی انتشار داد و آیت‌الله قاضی در خطبه‌های نماز عیدفطر، این موضوع را تکذیب کرد.

وی در سال 1346 پس از انجام مراسم حج، بدون گذرنامه، از طریق جده به عراق رفت و چندروزی در نجف مهمان حضرت امام(ره) بود. پس از بازگشت به ایران، به دستور ساواک، بانک ملی تبریز از بازپرداخت وثیقه او خودداری کرد.

### تبعید به بافت کرمان

آیت‌الله قاضی در پی سخنرانی شدیدالحنی بر ضد اسرائیل در عید فطر 1347 و بردن نام امام خمینی، در 8 دی ماه همانسال دستگیر و به بافت کرمان تبعید شد. اما او در تبعیدگاه هم آرام ننشست و با ارسال نامه به شخصیت‌های گوناگون و نگارش مقالات به زبان عربی برای مجلات لبنان، به فعالیت‌های خود ادامه داد.

پس از اتمام تبعید، اجازه عزیمت به تبریز به وی داده نشد. با وجود کنترل مکاتبات، او با مبارزان تبریز و علمای مبارز قم، شیراز، یزد و مشهد و با پیک‌های مخفی انقلابیون نیز در ارتباط بود. قاضی طباطبایی پس از تبعید بافت، شش ماه دیگر نیز به اقامت در زنجان مجبور شد.

با پایان یافتن این مدت آیت‌الله قاضی پس از گذشت یکسال، وارد تبریز شد اما از سوی برخی روحانیون مرتبط با یکی از مراجع شهر مورد تحریم قرار گرفت؛ به طوری که یکی از وعظ مخالف، در نامه‌ای به آیت‌الله‌العظمی خویی، ضمن بدگویی، او را خمینی دوم و چشم راست و دست راست حضرت امام(ره) معرفی کرد.

### طرح مرجعیت امام خمینی

با شدت یافتن سرکوب‌های حکومت، از فعالیت‌های علنی و آشکار قاضی طباطبایی کاسته شد، لیکن جلسات هفتگی روضه منزل وی هیچگاه تعطیل نگردید و همچنان کانون مبارزان باقی ماند. پس از رحلت آیت‌الله حکیم، وی به طرح مرجعیت امام خمینی در آذربایجان پرداخت و به همین مناسبت، تلگراف تسلیتی به ایشان در نجف اشرف و سایر مراجع تقلید حوزه علمیه قم ارسال کرد.

آیت‌الله قاضی در همین ایام، به کمک تعدادی از بازاریان، «صندوق مجاهدین اسلام» را تأسیس کرد. عوامل ساواک در 10 دی 1354 در روزنامه رستاخیز مطالبی از زبان او در توصیه به شرکت در انتخابات انجمن شهر درج کردند که با عکس‌العمل وی مواجه شد.

### اوج‌گیری نهضت اسلامی

با ایجاد فضای باز سیاسی در سال‌های 1357-56، جلسات روضه هفتگی او که در واقع جلسه سیاسی - مذهبی بود گسترده‌تر شد. در روزهای تاسوعا و عاشورای سال 1356، در سخنرانیهای خود، رژیم شاه را مورد حمله قرار داد. پس از انتشار مقاله روزنامه اطلاعات در اهانت به ساحت امام خمینی(ره) در دی ماه آن سال، برپایی نماز جماعت خود را به نشانه اعتراض تعطیل کرد و در سخنرانیهایش این اقدام را محکوم نمود.

به همت وی و دانشجویان مبارز مسلمان دانشگاه تبریز، چهل شهدای قیام 19 دی ماه قم، در تبریز به قیامی گسترده تبدیل شد. پس از سرکوب قیام 29 بهمن 1356، هیأتی به سرپرستی ارتشبد جعفر شفق برای بررسی حوادث این روز، روانه تبریز گردید. علما و روحانیون شهر طی اعلامیه‌ای علل و انگیزه قیام مردم تبریز را به اطلاع هیأت بازرسی رساندند. عوامل رژیم پهلوی برای جبران شکست خود در قیام تبریز، در 20 فروردین 1357 تظاهراتی را به طرفداری از حکومت ترتیب داد که وی با اعزام نمایندگان به شهرستانها و روستاهای اطراف تبریز، مردم را از شرکت در آن منع کرد.

در چهل شهدای یزد و جهرم، منزل برخی آیات عظام از جمله آیت‌الله گلپایگانی در قم مورد هجوم قرار گرفت که شهید قاضی طباطبایی به همراه سایر علمای تبریز و

آذربایجان این اقدام رژیم را محکوم نمود. حوادث خونین 18 اردیبهشت 1357 دانشگاه تبریز نیز او را به انتشار اعلامیه‌ای اعتراض‌آمیز واداشت.

سفر پرهیاهوی نماینده تبریز در مجلس شورای ملی، احمد بنی‌احمد، به تبریز، برای انحراف نهضت، با اقدام به موقع آیت‌الله قاضی خنثی شد و بدون نتیجه پایان یافت. آیت‌الله قاضی به مناسبت درگذشت شیخ احمد کافی، مجلس ترحیم اعتراض‌آمیزی بر ضد رژیم در تبریز منعقد کرد. در 21 رمضان 1398. ق/ 1357. ش، مسجد مقبره که مملو از جمعیت بود، مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار گرفت. ساواک با اطلاع از برنامه‌هایی که وی جهت برگزاری نماز عید فطر در مسجد فوق در دست داشت، با اقدامات پیشگیرانه از برگزاری آن جلوگیری کرد.

#### دوران انقلاب

پس از کشتار 17 شهریور آن سال در میدان ژاله تهران، آیت‌الله قاضی دستور اعتصاب و تعطیلی عمومی بازار را صادر نمود. با محاصره منزل امام خمینی توسط نیروهای امنیتی عراق، وی به همراه آیت‌الله سید حسن انگجی، تلگراف شدیدالحنی به سفارت عراق در تهران مخابره کرد. پس از هجرت امام(ره) به پاریس، وی به همراه تعدادی از علماء طی تلگرافی به رئیس‌جمهور فرانسه، مینی بر توصیه به گرمی‌داشتن قدوم امام، ارسال نمودند. در 24 مهر 1357، آیت‌الله قاضی به مناسبت چهلم شهدای میدان ژاله که با سالگرد شهادت حاج‌آقا مصطفی نیز مقارن بود، مجلس بزرگداشتی منعقد نمود و با ارسال تلگرافی، وقایع 24 مهر مسجدجامع کرمان را نیز محکوم کرد. در همین ایام، مخالفان نهضت، برای انحراف مبارزات مردم مسلمان آذربایجان، تلگرافی جعلی مبنی بر وابسته‌بودن شهید قاضی طباطبایی به حکومت پهلوی از زبان امام خمینی منتشر کردند؛ که امام پس از اطلاع، ضمن تکذیب با ارسال نامه‌ای حمایت کامل خود را از وی اعلام کرد.

با ورود آیت‌الله سید اسدالله مدنی به تبریز، آیت‌الله قاضی برای پیشبرد سریعتر انقلاب به همکاری نزدیک با وی پرداخت. با تشدید مبارزات مردم مسلمان در جهت سرنگونی رژیم شاه، منزل آیت‌الله قاضی به محل برگزاری جلسات متعدد، سازماندهی تظاهرات و همچنین تهیه، تکثیر و توزیع اعلامیه‌های انقلابی تبدیل شد. به دعوت وی وعظ مبارز به تبریز دعوت می‌شدند که این دعوت‌ها تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

تظاهرات عظیم عاشورای 1357 تبریز، با هدایت و برنامه‌ریزی او انجام گرفت. چند روز پس از ورود امام(ره) به کشور در بهمن آن سال، وی به اتفاق چند تن از نزدیکانش به دیدن حضرت امام خمینی رفت و به دستور ایشان بدون فوت وقت به تبریز بازگشت. با پیروزی انقلاب اسلامی در تهران، به فاصله چند روز انقلاب در شهرستانها نیز به پیروزی رسید. با تصرف پادگان تبریز توسط مبارزان مسلمان، انقلاب در این شهر نیز به پیروزی رسید. بلافاصله کمیته موقت انقلابی در منزل وی تشکیل گردید و در هماهنگی با کمیته‌های انقلاب مرکز کنترل و حفظ امنیت شهر را به دست گرفت. قاضی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت و استحکام پایه‌های آن، به سازماندهی نهادهای انقلابی پرداخت و شاخه حزب جمهوری اسلامی را در تبریز تأسیس کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دستور امام خمینی وی به سمت امام جمعه تبریز منصوب شد و اقامه اولین نماز جمعه را برای ایجاد وحدت بیشتر به آیت‌الله مدنی محول نمود. دومین نماز جمعه تبریز، در روز 22 رمضان 1399. ق / 27 مرداد 1358. ش، در روز جهانی قدس به امامت وی برگزار شد. آیت‌الله قاضی سرانجام پس از عمری تلاش، در شامگاه عید قربان 1399. ق / 10 آبان 1358. ش پس از اقامه نماز مغرب و عشا توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

#### آثار و تالیفات

آیت‌الله قاضی طباطبایی علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، دارای تالیفات متعددی بود که بعضی از آنها به چاپ رسیده و بخش دیگری مناسفانه هنوز به صورت دست‌نوشته باقی مانده است. مهمترین آثار چاپ‌شده وی عبارتند از: تعلیقات بر کتاب الفردوس‌الاعلی (تالیف شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء)، گردآوری و تدوین کتاب حنة‌المأوی (از کاشف‌الغطاء)، تعلیقات بر کتاب الانوارالنعمانیة (تالیف سید نعمت‌الله جزایری)، مقدمه مفصل شامل تحقیقات و تصحیحات بر تفسیر جوامع‌الجامع طبرسی، تعلیقات بر دو فصل از کتاب اسلام صراط مستقیم، مقدمه و تعلیقات تحقیقی بر ترجمه کتاب علم امام(ع) (اثر شیخ محمد حسین مظفر)، مقدمه و تعلیقات و تصحیحات بر کتاب انیس‌الموحدين (اثر حاج ملامهدی نراقی)، تصحیح و تعلیق کتاب تاریخ‌الانمه(ع) (تالیف ابن ابی‌النجل بغدادی)، تحقیق درباره اربعین اول حضرت سیدالشهدا(ع)، تحقیق در ارث زن از دارایی شوهر، تصحیح و تعلیق کتاب اللوامع‌الالهية فی المباحث‌الکلامية (اثر جمال‌الدین مقداد)، مقدمه بر کتاب صحائف‌الابرار (اثر کاشف‌الغطاء)، مقدمه بر کتاب تنقیح‌الاصول (اثر حاج میرزا محمدرضا طباطبایی)؛ مقدمه بر کتاب علم امام علیه‌السلام (اثر علامه طباطبایی)، مقالات دیگر در مجله العرفان و المواهب و رساله‌الاسلام. همچنین مهمترین آثار دست‌نوشته او عبارت است از: خاندان آل امیر عبدالوهاب، سفرنامه بافت، کتاب الفوائد و فیها الفوائد و النفايس، رساله فی اثبات وجود الامام فی کل زمان، فصل الخطاب فی تحقیق اهل کتاب، السعادة فی الاهتمام علی الزیارة، حدیقة‌الصالحین، قضا در اسلام، رساله در نماز جمعه، رساله صدقات اهل بیت علیهم‌السلام، رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل بیت(ع) و . . . جالب توجه اینکه آخرین تالیف شهید قاضی طباطبایی چکیده خطبه‌های نماز جمعه‌ای است که در شهر تبریز ایراد نموده بود.

پژوهشگر: رحیم نیکبخت - صمد اسمعیل‌زاده

پی‌نوشت‌ها:

- این مقاله تلخیصی است از کتاب زندگانی و مبارزات شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، نوشته رحیم نیکبخت و صمد اسمعیل‌زاده (نگارندگان مقاله)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380.